



توراه اور • پاراشاها ویرا • مامار 2

ארדה נא וגו'

«اکنون فرود می آیم [و می بینم]»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeira/2

1 **ארדה נא וגוי.** הנה הכצעקתה הוא לשון נקבה וכן הבאה. ועשו לשון נקבה ולשון זכר. וגם להבין מהו **ארדה נא ואראה הלא משמים הביט ה'.**

«اکنون فرود می‌آیم [و می‌بینم]» و غیره. واژه «برحسب فریاد آن» (הכצעקתה, haktza'akasaḥ) مؤنث است، و همین‌طور «که آمده است» (הבאה, haba'ah)؛ اما «کرده‌اند» (עשו, asu) صورتی است که هم برای مؤنث و هم برای مذکر به کار می‌رود. همچنین باید فهمید مقصود از «اکنون فرود می‌آیم و می‌بینم» چیست؛ حال آن‌که «از آسمان، ה' به زیر نگریست.»

אך פי' הכצעקתה היינו הצעקה העולה מבחי' מדת הדין שהיא בחי' מדת מלכות שנק' דין דינא דמלכותא דינא רק שהוא דינא רפיא מלך במשפט יעמיד ארץ וז"ש [וזהו שכתוב] הכצעקתה הבאה וכמ"ש בערב היא באה.

اما مقصود از «برحسب فریاد آن» این است: فریادی که از مرتبه صفت داورى برمی‌آید؛ این مرتبه، مرتبه صفت فرمانروایی (מלכות, Malchus) است که «دین» (דין, din؛ داورى) خوانده می‌شود، [چنان‌که گفته‌اند:] «قانون (דינא, dina) پادشاهی، قانون است»؛ بالاین‌حال، این داورى نرم است، [چنان‌که آمده:] «پادشاه با عدالت، سرزمین را استوار می‌سازد.» و این است [مقصود از] «برحسب فریاد آن که آمده است» (הבאה, haba'ah)، چنان‌که نوشته شده است: «شامگاه او می‌آمد» (بאה, ba'ah).

2 **ורחל באה. וביאור הענין הנה מתחלה יש להקדים לשון השגור בדחז"ל [בדברי חכמינו זכרונם לברכה] גלוי וידוע לפני מי שאמר והיה העולם. גלוי וידוע דייקא.**

[و] «و راحیل (رحل) آمد (بאה, ba'ah).» و شرح مطلب چنین است: نخست باید [با] تعبیری آغاز کنیم که در سخنان حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، رایج است: «در پیشگاه آن‌که گفت و جهان پدید آمد، آشکار و معلوم است.» «آشکار و معلوم»؛ دقیقاً همین.

כי הנה הפילוסופים נלאו להשיג ענין ההשגחה פרטית כמו אין אדם נוקף אצבעו מלמטה אא"כ [אלא אם כן] מכריזין עליו מלמעלה דקשה להם כיון

زیرا فلاسفه برای درک مسئله نظارت جزئی، از قبیل این گفته که «انسان در پایین انگشتش را زخمی نمی‌کند، مگر آنکه در بالا درباره او اعلام شده باشد»، به زحمت افتاده‌اند؛ چراکه برایشان دشوار است، از آن‌جا که

שהוא ית' יחיד ומיוחד אחד האמת וא"כ איך יתכן ידיעת הש"י [השם יתברך] הפרטים וההשגחה פרטי' לתת דעתו על ענינים רבים שהרי זה בחי' רבוי.

او، که متبارک است، یگانه و بی‌همتا و یگانه حقیقی است؛ پس چگونه ممکن است [که وجود داشته باشد] علم ה' به جزئیات و نظارت جزئی، [به‌گونه‌ای که او] توجه خود را به امور بسیار معطوف کند، حال آنکه این [حالتی از] کثرت است؟

3 וחז"ל [וחכמינו זכרונם לברכה] כיוונו לתרץ זה בדבור אחד באמרם גלוי וידוע לפני כו' שאין ידיעתו ית'

כדמיון ידיעת האדם איזו דבר שדעתו השיג

ו חכیمان מא, که یادشان گرامی باد, خواستند این مسئله را با یک عبارت حل کنند؛ آنجا که می‌گویند: «پیش [او] آشکار و معلوم است» و مانند آن: یعنی شناختِ او, که متبارک باد, مانند شناختِ انسان از چیزی نیست که ذهنش آن را دریافته باشد.

הדבר ומתחלה לא ידעו וכשיודע הדבר הרי דעתו מלובשת בידיעה זו ומחשבה זו שנותן דעתו להשיגה

וקודם ידיעתו היה דעתו פנוי וה"ז [והרי זה] בחי' שינוי והתפעלות

آن چیز را؛ و در آغاز آن را نمی‌دانست. هنگامی که آن چیز را می‌شناسد, ذهنش در این شناخت و در این اندیشه پوشیده می‌شود؛ یعنی ذهن خود را به کار می‌گیرد تا آن را دریابد. پیش از شناختنِ آن, ذهنش از آن آزاد بود. و این حالت, دگرگونی و اثرپذیری است.

משא"כ למעלה ידיעתו ית' שיודע כל העולמות ופרטיהן אין הענין שדעתו מתלבשת ונתפסת בזה אלא

اما در بالا, چنین نیست. شناختِ او, که متبارک باد, به واسطهٔ آن همهٔ عوالم و جزئیاتشان را می‌شناسد, به این معنا نیست که ذهنش در آن پوشیده شود و به واسطهٔ آن در بند آید؛ بلکه

ע"ד גלוי וידוע שהכל גלוי וידוע לפניו ית' ממילא וא"צ [ואין צריך / ואינו צריך] להיות נתפס ומתלבש

בהדבר לידע

[این شناخت] به گونه‌ای است که «آشکار و معلوم» است: همه چیز خودبه‌خود پیش او, که متبارک باد, آشکار و معلوم است؛ و لازم نیست برای دانستنِ آن چیز, خود در آن محاط و پوشیده شود.

(במכש"כ [במכל שכן] ממה שמחיה ומהווה הדבר שלא ע"י התלבשות בהדבר כ"א על ידי היותו סוכ"ע.

וכ"ש [וכל שכן] וק"ו שידיעת הדבר ופרטיו א"צ [אין צריך / אינו צריך] להיות ע"י התלבשות ותפיסה בהדבר

(כו')

(چه رسد به آنکه او به آن چیز حیات می‌بخشد و آن را به وجود می‌آورد, بی‌آنکه در آن پوشیده شود, بلکه از آن‌رو که نوری است که همهٔ عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin). پس به طریق استدلالِ اولویت (קל וחומר, kal vachomer), دانستنِ آن چیز و جزئیاتش نیز به پوشیده‌شدن در آن و دربرِ آن بودن نیاز ندارد و مانند آن.)

**وكنون شهوآ گلوی ویدوع آین شیخ كلل كوشیته شهوآ بخی رگوی كی هه آینو رك بمین یدیهته آآدم
شآ"آ لو لیده دهر ك"آ ع"ی شدعتو ومهشبتو متلبشیم بیذیهته الدهر.**

و چون همه چیز «آشكار و معلوم» است، پرسش آنان كه این را گونه ای از كثرت می شمارند، به کلی بی موضوع است؛ زیرا این فقط درباره نوع شناخت انسان صدق می كند: او نمی تواند چیزی را بشناسد، مگر آنكه ذهن و اندیشه اش در شناخت آن چیز پوشیده شوند.

**وזהו כי לא מחשבותי מחשבותיכם כו' כי הוא גלוי וידוע כו' (وهמשכיל יבין דקות הדברים ולא כל
מוחא סביל דא).**

و این است [معناي] «زیرا اندیشه های من اندیشه های شما نیست» و مانند آن: زیرا [این شناخت] «آشكار و معلوم» است و مانند آن. (آنكه اهل ادراك باشد، ظرافت این مطالب را درمی یابد؛ و هر ذهنی تاب آن را ندارد).

**והנה כתיב (זכרי' [זכריה] סי' ד') שבעה אלה עיני ה' המה משוטטים בכל הארץ וכתיב (ד"ה [דברי הימים] ב' י"ו
ט') כי ה' עיניו משוטטות בכל הארץ.**

اكنون آمده است (Zechariah, chapter 4): «این هفت، چشمانِ ه' هستند؛ آنان در سراسر زمین می گردند (משוטטים, meshotetim)»؛ و آمده است (دברי הימים ب 16:9): «زیرا چشمانِ ه' در سراسر زمین می گردند (משוטטות, meshotetos)».

**ויש להבין דענין משוטטים ומשוטטות משמע שנמשך לראות ולעיין הדבר על ידי ראייה זו והרי זה
כמו בخی התלבשות בהדבר הנראה وידוע וזה לכאורה הפך ממ"ש בפ"י גלוי وידוע.**

و باید این را فهمید: واژه «گشتن» (משוטטים, meshotetim; משוטטות, meshotetos) دلالت می كند كه [نگاه] به واسطه این دیدن امتداد می یابد تا آن چیز را ببیند و بررسی كند؛ و این، مانند مرتبه ای از پوشیده شدن در چیزی است كه دیده و شناخته می شود. و این ظاهراً خلاف آن چیزی است كه در توضیح «آشكار و معلوم» گفته شد.

**אך הענין כי נודע שבע"ס [שבעשר ספירות] יש אורות וכלים כי בخی חו"ג [חסד וגבורה] זהו בخی כלי אבל
האור הוא הארה מא"ס ב"ה דלאו מכל אינון מדות איהו כלל**

اما توضیح این است كه، چنانكه معلوم است، در ده مرتبه تجلی (سפירות, Sefiros) نورها و ظرفها (اوروت وכלים, Oros v'Keilim) وجود دارد. زیرا مرتبه مهر (חסد, Chesed) و قید و سخت گیری (גבורה, Gevurah)، مرتبه ظرف است؛ اما نور، پرتوی از بی نهایت مطلق (این سوف, Ein Sof)، كه متبارك است، می باشد؛ [و درباره او گفته شده است كه] «او اصلاً از هیچيك از این صفات نیست.»

**رک شهآور متلبش بهکلی شهآ خو"گ [آسد وگبوره] وشآر المذوت شهآ نقرآیم بهینت کلیم شهآ
مگبیلیم آت آآور وبهآ**

تنها، نور در ظرف پوشیده می‌شود؛ و ظرف همان **آسد** و **گبوره** و دیگر صفات است که مرتبهٔ ظرف‌ها نامیده می‌شوند، زیرا نور را محدود می‌کنند. و در آن‌ها

**وعل یدم نمشآ آآور لهیوت مآهیا نبرآیم به"گ [بهلی گبول / بهل گبول] لهیوت التهוות میآآل وگبریآل
مآנה میآآل مکبلیم مآهی" آسد وگبریآل مآهی" گبوره شآ"آ لهیوت המשآه זו مآآور עצمو כ"آ ع"י
הכלים.**

و بهواسطهٔ آن‌ها نور به پایین کشیده می‌شود تا به آفریده‌های محدود حیات ببخشد و میخائیل (میآآل) و جبرئیل (گبریآل) را پدید آورد: اردوگاه میخائیل از مرتبهٔ **آسد** دریافت می‌کند و جبرئیل از مرتبهٔ **گبوره**. زیرا این کشیده‌شدن نور به پایین نمی‌تواند از خود نور باشد، بلکه فقط بهواسطهٔ ظرف‌هاست؛

**כמו شآ"آ להیوت השפעת כסף וזהב מהנשמה آآ"כ [آلآ אם כן] מלובשת בגוף ונותנת הנשמה צדקה
לעני ע"י היד הגשמי.**

همان‌گونه که بخشیدن نقره و طلا از سوی نفس ممکن نیست، مگر آنکه نفس در بدن پوشیده شده باشد و از طریق دست جسمانی به مرد فقیر صدقه بدهد.

4 והנה כמו כן ע"י הכלים דע"ס [دعشر سفירות] هآ گ"כ بهی" העלآת הזכות وحب של کل נברآ

آکنون، به همین ترتیب، بهواسطهٔ ظرف‌های ده مرتبه از مراتب تجلی (سفירות, Sefiros)، شایستگی و تقصیر هر آفریده نیز به بالا برده می‌شود.

**כי ע"י شهآادم عوبر عبیرآ قונה لو قטיگور آآد نعשה فآم وכתם بآوتو المלאآ הממונה ע"ז כי יש
מלאכים שמקבליم ממדה זו ויש ממדה זו כנ"ל בענין میآآل وگبریآل כו'**

زیرا هنگامی که انسان مرتکب گناهی می‌شود، «برای خود یک مدعی می‌خرد»؛ در آن فرشته‌ای که بر [این امر] گمارده شده است، عیب و لکه‌ای پدید می‌آید. زیرا فرشتگانی هستند که از این صفت دریافت می‌کنند و [فرشتگانی که از] آن صفت دریافت می‌کنند، چنان‌که پیش‌تر دربارهٔ میکائیل (میآآل) و جبرئیل (گبریآل) و مانند آن گفته شد.

وملاآ زه مآعهله الهبر لملاآ گبوه ممانو عآ شمتعهله بآلیم آع"س [آعشر سفירות] آملآوت آآآی
هملبشیم ببی"ع وبآوآ آلی ملوبش الهور مآ"س بی"ه.

و این فرشته آن امر را به فرشته‌ای بالاتر از خود می‌رساند، تا آن‌که به ظرف‌های ده سفירות فرمانروایی (ملכות, Malchus) در عالم صدور (آآیلوت, Atzilus) صعود می‌کند؛ همان ظرف‌هایی که در [عوالم] عالم آفرینش (بریاآ, Beriah), عالم صورت‌بخشی (آآیره, Yetzirah) و عالم عمل (عشیه, Asiyah) پوشیده‌اند؛ و درون ظرف، نور صادر از بی‌نهایت مطلق (آین سوف, Ein Sof), که متبارک باد، پوشیده است.

5 ونمآآ ع"ی آلیم مآعهله لههور آ"س بی"ه الملوبش بهآلیم آع"س [آعشر سفירות]. ولآن نامر ع"ز عینو
مشوآشوت شهوآ آآی آلیم آع"س [آعشر سفירות]. وگم الملاآیم המקآلیم مآهم نآ' مآری آعیینین ویس
مآری آآوآنین.

پس نتیجه می‌شود که به‌واسطه ظرف‌ها، [این امر] به سوی نور بی‌پایان (آور آین سوف, Or Ein Sof) - او متبارک باد - ارتقا می‌یابد؛ نوری که در ظرف‌های ده‌گانه مراتب تجلی (سفירות, Sefiros) پوشیده است. ازاین‌رو درباره این گفته شده است: «چشمانش در گردش‌اند»؛ و این، مرتبه ظرف‌های ده‌گانه سفירות است. فرشتگانی نیز که از آنها دریافت می‌کنند، «صاحبان چشم‌ها» نامیده می‌شوند؛ و [همچنین] «صاحبان گوش‌ها» نیز وجود دارند.

6 وهم مشوآشیم بآل الهآرآ كمآامر آع مآ لمعهله ممآ عین رواء كو' وبهآلیم شیآ لומר مشوآشیم
ببآینآ الهلبشوت بهآبر.

و آنان در سراسر زمین می‌گردند، چنان‌که در این گفتار آمده است: «بدان چه بر فراز توست: چشمی بیناست» و الی آخر. درباره ظرف‌ها شایسته است گفت «می‌گردند»، به این معنا که در آن چیز پوشیده می‌شوند.

وبهم وع"ی مآعهله الهبر ببآی الهور الملوبش بآوآن مآ"س بی"ه وهوآ ع"آ آلوی ویدوع شیآیعه زو
שבآلیم آع"س [آعشر سفירות] שעآ آآی عینو مشوآشیم هیآ آآی

و به‌واسطه آن‌ها، آن چیز به مرتبه نوری از بی‌نهایت مطلق (آین سوف, Ein Sof), که متبارک است، ارتقا می‌یابد؛ نوری که درون آن‌ها پوشیده است. و این به‌نحو «آشکار و معلوم» است: اینکه این شناخت در ظرف‌های ده‌گانه مراتب تجلی (سفירות, Sefiros), که از راه «چشمانش در گردش‌اند» [حاصل می‌شود]، در مرتبه

گلوی ویدوع لآور آ"س ب"ه الملوٰبش بهکلیم کیون شهآور بآمت لآو مکل آینون مذوت آیهو کلل آع"ف
[آف عل فی] شملوبش بهکلی کو.

«آشکار و معلوم» برای نور بی‌پایان (آور آین سوف) است که در ظرف‌ها پوشیده است؛ زیرا نور در حقیقت اصلاً از هیچ‌یک از این صفات نیست، با آنکه در ظرف پوشیده است و جز این.

7 وזהו תירוץ לקושיית הפילוסופים שאין ידיעה והשגחה זו גורם בחי' רבוי כי ההשגחה ע"ד עיניו משוטטות הוא ע"י הכלים כנ"ל

و این پاسخ پرسش فیلسوفان است: این دانش و نظارت، [حالتی از] کثرت پدید نمی‌آورد؛ زیرا نظارت به شیوه «چشمانش به هر سو می‌گردند» به واسطه ظرف‌هاست، چنان‌که پیش‌تر گفته شد؛

آبل هیדיعه بآ"س ب"ه الملوٰبش بهکلیم مه شیدوع وروآه مه شعینو مشوتטوت هנה یدیعتهو یتبرך זו
هیآ בבחי' گلوی ویدوع کو:

آما دانش در بی‌نهایت مطلق (آین سوف، Ein Sof)، متبارک باد، که او در ظرف‌ها پوشیده است، [یعنی] آنچه از آنچه چشمانش به هر سو می‌گردند می‌داند و می‌بیند: این دانش او، متبارک باد، در مرتبه «آشکار و معلوم» است و الی‌آخر.

8 הגה"ה [הגהה] (ועיין בפרדס שער פ"ח [פרק ח'] ושער ד' פ"ט מענין זה ובזוהר פקודי רנ"ב ע"א ואלין עיני ה' כולהו נטלי אשגחותא כו' עיי"ש [עיין שם] וברע"מ [וברע"א מהימנא] פ' שופטים ד' ער"ה סע"א [סוף עמוד א.]) ויש להבין כיון דפ"י עיני ה' הם הכלים דע"ס [דעשר ספירות] דאבי"ע [דאצילות בריאה יצירה עשיה] והמלאכים.

حاشیه: (و درباره این موضوع بنگرید به Sha'ar، (پردس) Pardes، فصل ۸، و Sha'ar 4، فصل ۹؛ و نیز به זוهر (زهر)، فکودی (فکودی)، ص. 252a: «و اینها چشمان نام چهارحرفی (ه'، Havayah) هستند؛ همه آنها مراقبت را بر عهده می‌گیرند» و مانند آن؛ آنجا را بنگرید؛ و نیز به Parshas Shoftim، (رعیآ مهیمنآ) Ra'aya Mehemna (شوفטים)، ص. 275، پایان ستون a. اکنون باید فهمید: از آنجا که معنای «چشمان ه'» ظرف‌های ده‌گانه مراتب تجلی (سفירות، Sefiros) در عالم صدور (آצילות، Atzilus)، عالم آفرینش (بریآه، Beriah)، عالم صورت‌بخشی (یعزیرآ، Yetzirah) و عالم عمل (عشیآ، Asiyah)، و فرشتگان است،

א"כ איך שייך שהבורא ית' יצטרך לידע את כל הנבראים ע"י אמצעות הע"ס [העשר ספירות] והרי היוצר עין הלא יביט בעצמו דבשלמא לענין ההשפעה והמשכת החיות בהנבראים הוצרך להיות ע"י הכלים דע"ס [דעשר ספירות] שאל"כ [שאם לא כן] לא יוכלו הנבראי' [הנבראים] לקבל

پس چگونه ممکن است که آفریدگار متبارک برای شناختن همه آفریدگان به واسطه ده مراتب تجلی نیاز داشته باشد؟ مگر نه آنکه «آنکه چشم را می آفریند، آیا خود نمی بیند؟» البته در مورد جریان فیض و فرودآوردن نیروی حیات (حיות, chayus) به درون آفریدگان، لازم بود که این امر از طریق ظرفهای ده مراتب تجلی باشد، زیرا در غیر این صورت آفریدگان نمی توانستند [آن را] دریافت کنند؛

משא"כ לענין ידיעת השי"ת [השם יתברך] שיודע את כל הנבראי' [הנבראים] אין שייך לומר כן ח"ו [חס ושלום] וא"כ למה צ"ל בחי' העינים שהם הכלים משוטטים כו' דהא בודאי הכל גלוי וידוע לפניו ית' בעצמו ביתר שאת שלא ע"י אמצעו/הכלי' כלל:]

اما در مورد شناختِ ה', که به واسطه آن همه آفریدگان را می شناسد، روا نیست که چنین سخنی گفته شود، ه' ناکرده. پس چرا باید مرتبه چشمها، یعنی ظرفها، در گردش باشند و مانند آن؟ زیرا بی تردید همه چیز خود او، که متعال است، به مراتب کامل تر و بدون هیچ گونه میانجی گری ظرفها، برایش آشکار و دانسته است.)

אך הענין כמ"ש כי אל דעות ה' שיש ב' בחי' בדעת דעת עליון וד"ת [ודעת תחתון]. ד"ע [דעת עליון] הוא בחי' מקיף וסוכ"ע היינו

اما توضیح چنین است، چنانکه نوشته شده: «زیرا ה', אל דעות است»؛ یعنی شناخت (דעת, Daas) دو مرتبه دارد: شناخت برتر و شناخت فروتر. شناخت برتر، مرتبه فراگیر و مرتبه نوری است که همه عوالم را فرا می گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin)؛ یعنی،

כי יש בחי' דעת שיודע ורואה הכל רק שהדעת הוא בבחי' מקיף דהיינו שאינו מתפשט בהמדוי' להיות התפעלות מהדבר שהוא יודע או רואה וכענין

مرتبه ای از دעת هست که همه چیز را می داند و می بیند، با این تفاوت که این دעת در حالت فراگیر است؛ یعنی در صفات گسترش نمی یابد تا نسبت به چیزی که می داند یا می بیند [واکنشی] پدید آورد؛ چنانکه در مورد

שנאמר לא הביט און ביעקב שאין הפי' שלא הביט כלל אלא כמ"ש וירא און ולא התבונן וכמ"ש אם צדקת מה תתן לו וע"ז נאמר טהור עינים מראות ברע שאין ראיתו הרע עושה רועם והתפעלות כלל

אנچه گفته شده: «او در یعقوب (יעקב) کژی ندیده است»؛ معنایش این نیست که اصلاً نگاه نکرده است، بلکه چنانکه نوشته شده: «کژی را می‌بیند، اما به آن نمی‌اندیشد»؛ و نیز چنانکه آمده: «اگر پارسا باشی، چه چیزی به او می‌بخشی؟» و دربارهٔ همین گفته شده: «[تو هستی] که چشمانت برای نگریستن به بدی بیش از اندازه پاک است»؛ دیدنِ بدی در او هیچ اثری برجا نمی‌گذارد و هیچ واکنشی [پدید] نمی‌آورد،

כי שממית בידים תתפש ומשם מקור הסליחה והרחמים שאין מגיע שם שום פגם והוא למעלה מהכלים דע"ס [דעשר ספירות].

زیرا «مارمولک با دست‌هایش می‌گیرد». و از آنجا [سرچشمه] بخشایش و شفقت است، زیرا هیچ نقصی به آنجا نمی‌رسد؛ و آن فراتر از ظرف‌های ده مراتب تجلی است.

רק הפגם והשכר והעונש הוא נמשך ע"י הדעת המתפשט ونמשך במדות ונק' דעת תחתון והוא המתלבש בבחי' ממכ"ע [ממלא כל עלמין] היינו בכלים דע"ס [דעשר ספירות] דאבי"ע [דאצילות בריאה יצירה עשירה]

تنها نقص و نیز پاداش و کیفر از طریق شناختی جاری می‌شوند که گسترش می‌یابد و به درون صفات امتداد پیدا می‌کند؛ این را شناختِ فروتر می‌نامند. همین شناخت در مرتبهٔ نوری پوشیده است که همهٔ عوالم را پر می‌کند (مמלא כל עלמין، memalei kol almin)، یعنی در ظرف‌های ده مراتب تجلیِ عالمِ صدور، عالمِ آفرینش، عالمِ صورت‌بخشی و عالمِ عمل.

ולכן ידיעה זו היא ע"י בחי' עיני ה' שהם הכלים והמדות שע"ז נמשך ההתפעלות שכר ועונש שהפגם מגיע בהכלים דייקא

بنابراین، این آگاهی از مرتبهٔ «چشمانِ نامِ چهارحرفی (ה', Havayah)» است؛ چشمانی که همان ظرف‌ها و صفاتِ عاطفی (مדות، middos) هستند و از طریق آن‌ها واکنشِ پاداش و کیفر به جریان می‌افتد؛ زیرا آسیب دقیقاً به ظرف‌ها می‌رسد؛

משא"כ ע"י הידיעה שבדעת העליון שלא ע"י הכלים דע"ס [دعשר ספירות] אע"פ [אף על פי] שהכל גלוי וידוע לא נמשך מזה התפעלות כו'.

حال آنکه از طریق شناختِ برتر (דעת، Daas)، که نه از راه ظرف‌های ده مرتبهٔ تجلی (ספירות، Sefiros) است، با آنکه همه‌چیز آشکار و دانسته است، هیچ واکنشی از آن به جریان نمی‌افتد، و غیره.

9 ותדע שכן הוא מענין ידיעה ובחירה שאין הידיעה שהשי"ת [שהשם יתברך] יודע שזה יהיה צדיק או רשע מכרחת את הבחירה כלל. ואיך הוא.

و می‌توانی از مسئله علم و اختیار دریابی که دانشی که **ה'**، که متبارک است، به واسطه آن می‌داند این شخص صالح خواهد شد یا شرور، به هیچ وجه انتخاب او را مجبور نمی‌کند. و این چگونه ممکن است؟

אלא לפי שידיעה זו שהשי"י [שהשם יתברך] יודע הכל מקודם אשר נעשה זהו בבחי' דעת עליון שלא ע"י הכלים דע"ס [דעשר ספירות]

بلکه چون این دانش، که **ה'** به واسطه آن همه چیز را پیش از آن که رخ دهد می‌داند، در مرتبه برتر شناخت (**דעת**, Daas) است، نه از طریق ظرف‌های ده مرتبه تجلی (**ספירות**, Sefiros).

דהא עיני ה' משוטטים לראות המעשה שכבר נעשה שזה נראה לבחי' המלאכים והכלים דבי"ע שנעשה ע"ז פגם וכתם בהמלאך כו' וכנ"ל

زیرا «چشمان **ה'** در گردش‌اند» تا عملی را ببینند که پیش‌تر انجام شده است؛ این عمل بر مرتبه فرشتگان و ظرف‌های عالم آفرینش (**بریا**, Beriah)، عالم صورت‌بخشی (**יצירה**, Yetzirah) و عالم عمل (**عשיה**, Asiyah) آشکار می‌شود، و بدین‌سان در فرشته عیب و لکه‌ای پدید می‌آید، و غیره، چنان‌که پیش‌تر گفته شد؛

משא"כ הידיעה שהקב"ה יודע העתיד ומעשה האדם קודם שנעשה אינו על ידם כלל כ"א ידיעה זו היא במקום גבוה מאד בחי' דעת עליון ולהיות דעת זה בחי' מקיף אינו מכריח את הבחירה שאין האדם מתפעל מזה

اما دانشی که قدوس متبارک (**קב"ה** / **קודשא בריך הוא**, Kudsha Brich Hu) به واسطه آن آینده و اعمال انسان را پیش از انجام‌شدنشان می‌داند، به هیچ وجه از طریق آن‌ها نیست. بلکه این دانش در جایگاهی بسیار بلند، در مرتبه شناخت برتر (**دעת**) است؛ و چون این شناخت جنبه‌ای فراگیر دارد، انتخاب را مجبور نمی‌کند، زیرا انسان از آن متأثر نمی‌شود،

כמו שלא נמשך מדעת זה התפעלות אפי' [אפילו] בהמדות עליונים חו"ג [חסד וגבורה] להיות מזה שכר ועונש כנ"ל.

همان‌گونه که از این شناخت، حتی در صفات برین، یعنی مهر (**חסد**, Chesed) و قید و سخت‌گیری (**גבורה**, Gevurah)، هیچ واکنشی فروود نمی‌آید تا از آن پاداش و کیفر پدید آید، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

10 **وשיהי' [ושיהיה] שכר ועונש זהו דוקא ע"י דעת תחתון שע"י הכלים והעינים. ועיין בפרדס ש"ד פ"ט בענין ידיעה ובחירה שכ' [שכתב] כי יש חילוק בידיעה קודם שיחטא האדם אעפ"י [אף על פי] שעתידי לחטוא. לאחר שחטא כו' ע"ש.**

و اینکه پاداش و کیفر وجود داشته باشد، این مشخصاً از طریق شناختِ فروتر (دעת، Daas) است که از طریق ظرفها و چشمها تحقق می‌یابد. همچنین بنگرید به پردس ریمونیم (פרדס רמונים)، باب چهارم، فصل ۹، در باب آگاهی و اختیار؛ آنجا می‌نویسد که در آگاهی پیش از آن‌که انسان گناه کند، با آنکه در آینده گناه خواهد کرد، تفاوتی هست [و] پس از آن‌که گناه کرده است و الی آخر؛ به آنجا بنگرید.

11 **ולפמ"ש [ولפי מה שכתוב] יובן כי הידיעה קודם שיחטא זהו בבחי' דעת עליון וכנ"ל.**

بر پایه آنچه گفته شد، روشن می‌شود که آگاهی پیش از آن‌که او گناه کند، در مرتبه شناخت (دעת، Daas) برتر است، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

וז"ש [וזהו שכתוב] בפ' שמות וירא אלקים את בני' [בני ישראל] וידע אלקים פי' לא שנתחדש' [שנתחדשה] הידיעה אלא שמקודם היה בדעת עליון שלא נמשך מזה התפעלות להיות עונש לפרעה ושכר לישראל و این همان است که در پاراشای שמות گفته شده است: «و אלקים (Elokim) בני‌اسرائیل را دید و אלקים دانست.» مقصود این نیست که آگاهی تازه پدید آمده باشد؛ بلکه از پیش در شناخت برتر بود، که از آن هیچ واکنشی پدید نمی‌آمد [تا مجازاتی برای فرعون و پاداشی برای اسرائیل در پی آورد].

וע"י וירא אלהים ע"י בחי' עיני ה' לראות המעשה כשכבר נעשה בפועל ע"י וידע אלקים שנמשך בחי' הדעת תחתון המתפשט במדות להיות שכר ועונש.

و از طریق «و אלקים دید»، یعنی از طریق مرتبه «چشمان ה' (Havayah)» که عمل را پس از آن‌که بالفعل انجام شده است می‌بیند، «و אלקים دانست»: به این ترتیب مرتبه شناختِ فروتر که در صفاتِ عاطفی (مדות، middos) امتداد می‌یابد، [به پایین] کشیده شد تا پاداش و مجازات باشد.

12 **והנה השגחה זו מבחי' דעת עליון ע"י נאמר עין ה' אל יראיו וכתוב עין בעין נראה כדפי' באד"ר [באדרא**

רבא] דף ק"ל ע"א וע"ש دیוסף הצדיק זכה לזה וזהו

اینک، درباره این عنایت که از مرتبه شناختِ برتر (دעת، Daas) است، گفته شده است: «چشم نام چهارحرفی (ה', Havayah) به سوی کسانی است که از او پروا دارند»؛ و نوشته شده است: «چشم در چشم [تو] دیده شدی»، چنان‌که در ایدرا ربا (ایدرا ربا، p. 130a شرح داده شده است؛ و بنگرید آنجا که یوسف (یوسف) صدیق به این دست یافت؛ و این [مرا]»

בן פורת עלי עין וזכה לזה ע"י ויכלכל יוסף וזהו טוב עין הוא יבורך כי נתן מלחמו לדל ע"ש.

«پسری بارور بر فراز چشم (عین, ayin).» و او به واسطه «و یوسف روزی رسانی کرد» به این دست یافت؛ و این [مراد] صاحب چشم نیکو برکت خواهد یافت، زیرا از نان خود به نیازمندان بخشیده است» است؛ بنگرید آنجا.

ומזה יובן דבעון סדום שפגמו בזה ע"כ נמנע מהם גלוי בחי' עליונה זו הממתיק כל הדינים בחי' ורב חסד כו':

و از این روشن می شود که به سبب گناه سدوم، که در آن این را معیوب کردند، جلوه این مرتبه برین - که همه احکام را شیرین می کند، مرتبه «و سرشار از مهر» و جز آن - از آنان دریغ شد.

13 (ع"כ הגה"ה [הגהה]):

(پایان حاشیه.)

14 והנה בזוהר בסבא דמשפטים דק"ז ע"א פי' מ"ש עיניו משוטטות אלین נוקבין ומ"ש המה משוטטים אלین דכורין וכ"ה בזוהר ויחי דרמ"א סע"א [סוף עמוד א] דפי' משוטטים הם בתקוני שכינתא לתתא כו' היינו

اکنون، در زوهر (זהר)، در بخش سابا دِمِشپاتیم (סבא דמשפטים, Saba deMishpatim)، ص. 107a، توضیح می دهد که عبارت «چشمانش در گردش اند» (משוטטות, meshotetos) به مؤنثها اشاره دارد؛ و عبارت «آنان در گردش اند» (משוטטים, meshotetim) به مذکرها. همین طور است در زوهر، وایخی، ص. 241، پایان ستون a، که توضیح می دهد «در گردش اند» (משוטטים, meshotetim) در آرایه های حضور الهی (שכינה, Shechinah) در پایین هستند، و غیره. یعنی،

כי יש מלאכים שהם מז"א ויש מלאכים שהם ממלכות כמ"ש הרח"ו [הרבי חיים ויטאל] עמ"ש בזוהר ר"פ שמות דף ד' ע"א בענין איש וביתו באו וז"ל [זוה לשונן] נ"ב ת"ת [תפארת] ומלכות ור"ל [ורוצה לומר] המלאכים שמן הז"א והמלאכים שמן המל' עכ"ל [עד כאן לשונן] המק"מ [המקדש מלך] שם.

فرشتگانی هستند که از صفات عاطفی (ז"א / זעיר אנפין, Z'eir Anpin) هستند و فرشتگانی هستند که از فرمانروایی (מלכות, Malchus) هستند؛ چنان که رבי حییم ویتال (רבי חיים ויטאל) درباره آنچه در زوهر، در آغاز پاراشای شموت، ص. 4a، درباره «هر مردی با اهل خانه اش آمد» آمده، نوشته است؛ و عبارت او چنین است: «یادداشت: زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes) و فرمانروایی (מלכות, Malchus)؛ و منظورش فرشتگانی است که از صفات عاطفی هستند و فرشتگانی که از فرمانروایی هستند.» عبارت میکداش ملیخ (מקדש מלך) در آن جا تا همین جاست.

15 והמלאכים שהם בתקוני שכנתא היא בחי' מלכות דאצי' נק' נוקבין וכמש"ש [וכמה שכתוב שם] בזוהר ד' רמ"ז ע"א בפ' בנות צעדה למיהוי עלי שור. בנות צעדה.

و فرشتگانی که در زیورهای حضور الهی (שכינה, Shechinah) قرار دارند، و آن مرتبة فرمانروایی (מלכות, Malchus) در عالم صدور (אצילות, Atzilus) است، مؤنث نامیده می‌شوند؛ چنان‌که آنجا در زوهار (Zohar, זהר)، ص. 247a، در تفسیر «دختران گام برداشتند تا بر دیوار قرار گیرند» (בנות צעדה, banos tza'adah) آمده است: «دختران گام برداشتند» (צעדה, tza'adah):

צעדות מיבעי לי' אלא ההוא עין דכתיב לעילא ומאן איהו עין משפט כו' ואיהו עין צעדה ופסעת למיטל בנות לתקונהא והיינו בנות צעדה ולא בנים

باید می‌گفت **צעדות** (tza'adus) [به صورت جمع]. بلکه [فاعل] همان چشمی است که در بالا نوشته شده است؛ و آن چیست؟ «چشم داوری» (עין משפט, Ein Mishpat)، و جز این‌ها؛ و آن گام برمی‌دارد و پیش می‌رود تا دخترانی را برای زیور خود بگیرد. از این رو [آیه می‌گوید] «دختران گام برداشتند»، نه «پسران».

פי' שההשגחה הנמשכת ע"י הע"ס [העשר ספירות] דמלכות דאצי' שהיא בחי' עין משפט ע"ש מלך במשפט יעמיד ארץ הוא נמשך ומתלבש בהמלאכים הנקראים בנות שהם בחי' נוקבין.

يعنى نظارتی که از طریق ده مرتبة تجلی (ספירות, Sefiros) فرمانروایی عالم صدور امتداد می‌یابد، و آن مرتبة «چشم داوری» است، [که چنین نامیده شده] بر اساس [آیه] «پادشاه با داوری زمین را استوار می‌سازد»، امتداد می‌یابد و در فرشتگانی که «دختران» نامیده می‌شوند و مرتبة مؤنث‌اند، پوشیده می‌شود.

16 וזהו בנות צעדה שהמלי' צועדת על הבנות עלי שור לראות ולהשגיח מעשה התחתונים וע"ז נאמר עיניו משוטטות לשון נוקבא. וזהו ענין הכצעקתה הבאה אלי.

و این [معناي] «دختران گام برداشتند» است: فرمانروایی (מלכות, Malchus) از فراز دختران، «بر دیوار»، گام برمی‌دارد تا اعمال فرودینان را ببیند و زیر نظر داشته باشد. و درباره‌ی این گفته شده است: «چشمانش می‌گردند» (משוטטות, meshotetos)، به صیغه مؤنث. و این ناظر به «بر پایه‌ی فریادش که به سوی من آمده است» است،

לשון נקבה שהיא בחי' מלכות שנק' דינא דמלכותא והוא העלאת הפגם ע"י המלאכים שמבחי' מל' והכלים דע"ס [דעשר ספירות] דבחי' מל' הבאה אלי לאא"ס [לאור אין סוף] ב"ה המלוכש בע"ס [בעשר ספירות] דאצי'.

به صیغه مؤنث، که مرتبه فرمانروایی (ملכות) است و «قانون فرمانروایی» نامیده می‌شود؛ و این، بالا بردنِ نقص به واسطه فرشتگانی است که از مرتبه فرمانروایی‌اند، و نیز ظرف‌های ده مرتبه تجلی (سפירות, Sefiros) در مرتبه فرمانروایی؛ «که به سوی من آمده است»: یعنی به سوی نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، که در ده مرتبه تجلی عالم صدور (אצילות, Atzilus) پوشیده است.

17 ועז"נ [ועל זה נאמר] ארדה נא ואראה ע"י מדת החסד וכדודע שז"א רובו חסדים אנפוי דמלכא נהירין שהוא

و درباره این گفته شده است: «اکنون فرود آیم و ببینم»؛ از راه صفتِ مهر (חסד, Chesed). و چنان‌که دانسته است، زئیر انپین (ז"א / زعیر انپین, Z'eir Anpin)، صورت‌بندیِ مذكرِ صفاتِ عاطفی، عمدتاً از مهربانی‌ها (חסדים, chasadim) است؛ [چنان‌که در] «چهره پادشاه می‌درخشد» آمده است، که این همان...

מ"ש עיני ה' הם משוטטים ל' [לשון] זכר שהם בחי' דכורין שהוא בחי' חסד ואראה הכצעקתה כו' שאולי ע"י מדת החסד ימצא להם זכות.

آنچه گفته شده است، «چشمانِ ه' در گردش‌اند (משוטטים, meshotetim)»، به صیغه مذكر است؛ این صیغه مرتبه مذكر است، و آن مرتبه مهر (חסد) است. «و ببینم آیا بر وفق فریادش...» و مانند آن: شاید از راه صفتِ مهر برای آنان استحقاقی یافت شود.

18 וכמבואר באדר"ז [באדרא זוטא] דרצ"ג ע"ב שבחי' ההשגחה ע"י בחי' עיניו משוטטות ל' [לשון] נוקבא הוא בחי' דין וההשגחה שע"י בחי' עיני ה' המה משוטטים הוא בחי' רחמים כו' ע"ש.

و چنان‌که در ایدرا زوتا (آدرآ زوتا), p. 293b, توضیح داده شده است: نظارتی که از طریق مرتبه «چشمان او در گردش‌اند» (משוטטות, meshotetos [در گردش‌اند، صورت مؤنث]) است، جنبه داوری دارد؛ اما نظارتی که از طریق مرتبه «چشمان نام چهارحرفی (ה', Havayah) در گردش‌اند» (משוטטים, meshotetim [در گردش‌اند، صورت مذكر]) است، جنبه رحمت دارد و جز اینها؛ بنگرید آنجا.

והענין שהוא עד"מ כמ"ש ושפטו העדה והצילו העדה. עדה שופטת ועדה מצלת. לפי שבכל דבר יוכל ללמד זכות וחובה

و مقصود این است که، به عنوان تمثيل، چنان که نوشته شده است: «و جماعت داوری خواهد کرد ... و جماعت رهایی خواهد داد»؛ جماعتی که داوری می کند و جماعتی که نجات می دهد. زیرا در هر موضوعی می توان برای تبرئه یا محکومیت دلیل آورد.

וע"כ ארז"ל [אמר רבותינו זכרונם לברכה] פסילנא לי' לצורבא מרבנן לדינא דחביב עלי כגופאי ואין אדם רואה חוב לעצמו הרי

از این رو حکیمان ما، یادشان مبارک، فرمودند: «من خود را [از داوری درباره] یک دانشمند توراتی معاف می کنم، زیرا او به اندازه بدن خودم برایم عزیز است»؛ و نیز: «آدمی در خود، چیزی سزاوار محکومیت نمی بیند.» بنابراین،

אע"פ [אף על פי] שהוא חייב באמת אינו רואה עליו חובה שמחמת קירוב הדעת והחביבות מוצא מקום ללמד זכות

هرچند او در واقع گناهکار است، آدمی در او تقصیری نمی بیند؛ زیرا نزدیکی دل و مهرورزی سبب می شود که جایی برای آوردن دلیل به سود او بیابد.

משא"כ למי שאינו חביב עליו כ"כ [כל כך] הי' [היה] מלמד חובה וכמ"ש וכל יצר מחשבות לבו רק רע כו'
اما درباره کسی که چندان برای او عزیز نیست، برای محکومیتش دلیل می آورد؛ چنان که نوشته شده است: «و هر گرایش اندیشه های دلش تنها بدی است» و جز اینها؛

ועי"ז נמשך ויאמר ה' אמתה את האדם כו' הרי מחמת זה שיצר מחשבות לבו רק רע נמשך ללמד חובה
و در پی این، «و ה' گفت: انسان را محو خواهیم کرد» و جز اینها. پس چون گرایش اندیشه های دلش تنها بدی بود، [داوری] به سوی اقامه دلیل بر محکومیت کشیده شد.

ואח"כ בפ' נח כתיב ויאמר ה' אל לבו לא אוסיף לקלל עוד את האדמה בעבור האדם

و پس از آن، در پاراشای نوح (פרשת נח)، نوشته شده است: «و ה' در دل خود گفت: دیگر هرگز زمین را به سبب انسان لعنت نخواهم کرد،

كي يضر لب האדם רע מנעוריו הרי שמסברא זו עצמה שיצר לב האדם רע מצא ללמד זכות שלא יוסיף לקלל את האדמה בעבור האדם

زيرا گرايش دل انسان از جواني اش بد است.» پس همين استدلال كه گرايش دل انسان بد است، براي آوردن دليل به سود او به كار آمد: اينكه ديگر زمين را به سبب انسان لعنت نكند.

והיינו לפי שהי' [שהיה] התגלות מדת החסד ע"י וירח ה' את ריח הניחות שבקרבו שהקריב נח המשיך גילוי מדת החסד ללמד זכות בזו הסברא עצמה שנמשך תחלה ללמד חובה ע"י מדה"ד [مدת הדין].

و اين از آن روست كه صفت مهر (חסد, Chesed) از طريق «و نام چهارحرفي (ה', Havayah) رايحه خوشايند را استشمام كرد» آشكار شد: از راه قرباني اي كه نوح (נח) تقديم كرد، او آشكارشدن صفت مهر را به پايين كشيد تا با همان استدلالی كه در آغاز از طريق صفت داوري براي محكوم كردن به كار گرفته شده بود، براي تبرئه استدلال كند.

וזהו ענין החילוק בין ב' בחינות השגחות הנ"ל (ועמ"ש במ"א ע"פ לעשות הישר בעיני ה' אלקיך). وזהו פי' ארדה נא.

و اين تفاوت ميان دو مرتبه نظارت الهي است كه پيش تر ياد شد. (و بنگريد به آنچه در جاي ديگري درباره آيه «تا آنچه را در نظر ه' اלקيך درست است انجام دهی» نوشته شده است.) و اين معنای «اکنون فرود می آيم» است:

כי צעקתה היא הבאה מלמטה למעלה שהוא בחי' גבורות ואו"ח [ואור חוזר] ולזה נאמר ארדה נא לשון ירידה הוא מלמעלה למטה דהיינו בחי' או"י [אור ישר] שהוא בחי' חסד להשגיח במדת החסד ללמד זכות.

زيرا «فرياد آن» چيزی است كه از پايين به بالا می آيد؛ اين مرتبه سخت گيري ها (גבורות, gevuros) و نور بازگشتی (או"ח, or chozer) است. از اين رو گفته شده است: «اکنون فرود می آيم»؛ فرود آمدن، از بالا به پايين است، يعنی مرتبه نور مستقيم (או"י, or yashar)، كه مرتبه مهر است، تا با صفت مهر نظارت كند و براي تبرئه استدلال كند.

ואראה הכצעקתה הבאה אלי עשו דהיינו אם עוונם גדול מנשוא כ"כ [כל כך] עד שגם ע"פ החסד לא יוכל למצוא זכות אז כלה. ואם לא. פי' اولי ע"י החסד יוכל ללמד זכות כו'.

«و خواهیم دید [كه آيا] بر پایه فرياد آن كه به من رسیده است چنين كرده اند»: يعنی اگر گناهشان چنان بزرگ باشد كه تحمل ناپذير شود، تا آنجا كه حتی بر پایه مهر نيز نتواند برايشان وجهی براي تبرئه بپايد، در اين صورت نابودی (כלה, kalah) خواهد بود. «و اگر نه»: يعنی شايد از راه مهر بتواند برايشان به سودشان استدلال كند و غيره.

וז"ש [וזהו שכתוב] **במדרש ארדה נא ממדה"ר** [ממדות הרחמים] **למדה"ד** [למדת הדין] **ובזוהר דק"ה ע"ב ארדה נא מדרגא דרחמי לדרגא דדינא ר"ל** [רוצה לומר] **להמשיך רחמים ממדה"ר** [ממדות הרחמים] **אל בחי' מדה"ד** [מדת הדין] **ואראה כו'.**

و این است معنای آنچه در میدراش گفته شده است: «اکنون فرود می‌آیم»: از صفتِ رحمت به صفتِ داوری؛ و در زوهار (זהר)، p. 105b آمده است: «اکنون فرود می‌آیم: از مرتبة رحمت به مرتبة داوری»؛ یعنی رحمت از صفتِ رحمت به مرتبة صفتِ داوری کشیده شود، و «خواهم دید» و غیره.

19 והנה רש"י [רבי שלמה יצחקי] **פי' בחומש ארדה נא למד לדיינים שלא יפסקו דיני נפשות אלא בראיה. והענין דאיתא בת"ז** [בתיקוני זהר] **ואלין עשר ספירן אינון אזלין כסדרן חד אריך וחד קציר וחד בינוני.**

اکنون راشی (רש"י) در چومش [در] عبارتِ «اکنون فرود می‌آیم» توضیح می‌دهد: «[این] به داوران می‌آموزد که در پرونده‌های مربوط به مجازات مرگ، جز با دیدن حکم نکنند.» و توضیح مطلب این است که در تיקونی זהר (תיקוני זהר) آمده است: «این ده مرتبة تجلی (سفירות, Sefiros) به ترتیبِ خود پیش می‌روند: یکی دراز، یکی کوتاه و یکی میانه است.»

פי' כי ע"ס [עשר سفירות] **נחלקי' לג' קוין קו הימין חח"נ** [חכמה חסד נצח] **נק' חד אריך כי החסד נמשך ומתפשט יותר**

مقصود آن است که ده سفירות به سه خط تقسیم می‌شوند. خطِ راست، یعنی حکمت (Chochmah, חכמה)، مهر (חסد, Chesed) و پیروزی (נצח, Netzach)، «یکی دراز» نامیده می‌شود؛ زیرا حסد بیش از این امتداد می‌یابد و گسترش پیدا می‌کند.

ולכן גמ"ח [גמילות חסדים] **בין לעניים בין לעשירים הרי שהחסد מתפשט יותר מהרחמים שעל העשיר אין שייך רחמנות כ"א על העני.**

ازاین‌رو، اعمال نیکوکاری [انجام می‌شوند] هم برای فقیران و هم برای ثروتمندان؛ پس حסد بیش از شفقت گسترش می‌یابد، زیرا شفقت درباره ثروتمند صدق نمی‌کند، بلکه فقط درباره فقیر.

וקו השמאל בג"ה [בינה גבורה הוד] **נק' חד קציר שאינו נמשך כ"א למי שהגון ביותר. וקו האמצעי נק' בינוני שמרחם על מי שנوفל רחמנות.**

و خطِ چپ، یعنی فهم (Binah, בינה)، قید و سخت‌گیری (Gevurah, גבורה) و شکوه (הוד, Hod)، «یکی کوتاه» نامیده می‌شود، زیرا فقط به کسی می‌رسد که از همه شایسته‌تر است. و خطِ میانی «میانه» نامیده می‌شود، زیرا بر هر کس که شایسته شفقت باشد شفقت می‌کند.

20 והנה יש ראייה ושמיעה הראיה נמשך מבחי' חכמה קו הימין ושמיעה מבינה קו השמאל. וכנודע מענין

ראובן ושמעון

אکنون، دیدن هست و شنیدن هست. دیدن از مرتبة חכמה (Chochmah)، خط راست، سرچشمه می‌گیرد و شنیدن از فهم (Binah، בינה)، خط چپ؛ چنان‌که در ماجرای روبן (ראובן) و שמعون (שמעון) شناخته شده است.

ולכן הראי' [הראיה] היא מלמעלה למטה והשמיעה ממטה למעלה שהאותיות מתעלים ונכנסים לאוזן השומע ולזה ג"כ הראי' [הראיה] נשפלת למטה יותר מהשמיעה שרואה דבר גשמי

و ازاین‌رو دیدن از بالا به پایین است و شنیدن از پایین به بالا، زیرا حروف بالا می‌روند و به گوش شنونده وارد می‌شوند. و از همین رو نیز دیدن پایین‌تر از شنیدن فرود می‌آید، زیرا چیزی جسمانی را می‌بیند،

משא"כ השמיעה היא רק קול ודבור כי הראי' [הראיה] היא מבחי' חד אריך וכנודע שיסוד אבא אריך כו'.

حال آنکه شنیدن فقط صدا و گفتار است. زیرا دیدن از مرتبة «یک دراز» است، و چنان‌که معلوم است، بنیاد آبا (יסוד אבא، Yesod of Abba) دراز است، و غیره.

וזהו מ"ש ארדה נא ואראה כי הכצלקתה הבאה זהו כמו בחי' שמיעה שמבחי' בינה ולכן היא הבאה מלמטה למעלה והוא בחי' קו השמאל אבל ארדה נא ואראה בבחי' ראייה שהוא בחי' חסדים כו'.

و این است آنچه گفته شده است: «اکنون فرود می‌آیم و می‌بینم»؛ زیرا «برحسب فریادش که رسیده است» مانند مرتبة شنیدن است، که از مرتبة فهم است؛ ازاین‌رو، آن از پایین به بالا می‌آید و مرتبة خط چپ است. اما «اکنون فرود می‌آیم و می‌بینم» در مرتبة دیدن است، که مرتبة مهرها (חסדים، chasadim) است، و غیره.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeira/2](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeira/2) از

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک